

کارشناس امور قفقاز: حیات سیاسی علی اف ها وابسته به ادامه مناقشه قره باغ است

قره باغ تنها با نیروی نظامی آزاد می شود وقتی می گویم نیروی نظامی این ارتش را نمی گویم این ارتش توان آزادی سازی قره باغ را ندارد قره باغ تنها با ندای یا حسین آزاد می شود

/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

در هفته های اخیر در پی تنش های به وجود آمده بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران از مهدی نعلبندی کارشناس مسائل قفقاز دعوت کردیم تا در گفتگویی صمیمی به ابعاد مختلف این قضیه و مسائل داخلی جمهوری آذربایجان بپردازد.

سرویس قفقاز آناج: در روز های اخیر شاهد تنش در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بودیم به همین دلیل از مهدی نعلبندی کارشناس امور قفقاز و نویسنده ای که خود بار ها به جمهوری آذربایجان سفر کرده دعوت کردیم تا در مصاحبه ای به سوالات ما در این باره و مسائل داخلی جمهوری آذربایجان پاسخ دهد. مشروح این مصاحبه را پیشرو دارید.

در هفته های اخیر شاهد تنش در روابط جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران بودیم که این تنش ها از سوی طرف آذربایجانی شروع شده است، واکنش مجلس شورای اسلامی به این

ماجراجویی را چگونه ارزیابی می کنید؟

بحث تمامیت ارضی مسئله ای است که هیچ کشوری از آن کوتاه نمی آید، ما در اوایل انقلاب شعارهایمان جهان وطنی بود. برای مثال بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی سفارت اسرائیل در تهران تعطیل شد، و با حضور یاسر عرفات سفارت فلسطین در ایران تاسیس شد. اما با وجود تمامی این شعارهای جهان وطنی ما در هشت سال دفاع مقدس یک وجب از خاک کشورمان را از دست ندادیم، در مباحث ملی هم همین سیاست وجود دارد.

همان طور که اشاره کردید، همواره این شیطنت ها از سوی طرف آذربایجانی شروع شده است و ما همواره به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان احترام گذاشته ایم. من کارمند وزارت امور خارجه نیستم، و به عنوان یک تحلیلگر مسائل قفقاز سخن می گویم، شما هیچ موردی نمی توانید بیابید که جمهوری اسلامی ایران در باب جمهوری آذربایجان و دیگر کشورها، ادعای ارضی یا جمعیتی کرده باشد و همواره کشورهای همسایه علیه ما این ادعاها را انجام داده اند. نمونه دیگر این مسئله در مورد خلیج فارس است که ما هیچ گاه این بحث ها را شروع نکردیم و همواره در مقام دفاع از حقوق خود سخن گفته ایم، وقتی سران یک کشور اجلاس "آذربایجانی های جهان" را برگزار می کنند و ادعا می کنند که ما رهبر 50 میلیون آذری هستیم، این طبیعی است که مجلس کشورمان به این موضوع واکنش نشان دهد، و اگر این ادعا بخواهد جدی شود و شکل رسمی به خود بگیرد باید از این قاطع تر نیز عمل بکنیم چون همان طور که می دانید این کنگره در ظاهر توسط یک سازمان مردم نهاد برگزار می شود، ولی در پشت پرده این ماجرا مقامات رسمی جمهوری آذربایجان هستند، برای نمونه در سال 2001 میلادی خود حیدرعلیو در این کنگره سخنرانی کرد که در آن زمان من خودم در باکو بودم، در سال های بعد هم آقای الهام علیو سخن رانی کردند این نشان می دهد که حاکمیت جمهوری آذربایجان پشت این قضیه است. مجلس شورای اسلامی که یک نهاد دولتی نیست و برخاسته از مردم است به حق و به جا طرح استرداد 17 منطقه از قفقاز را مطرح کرده است و به نظر من طرح این مطالبه امر مبارکی است.

به نظر شما این ادعا از طرف جمهوری آذربایجان یک جنگ روانی است یا آنها به جد این موضوع را دنبال می کنند؟

ببینید در جنگ هشت ساله بین جمهوری اسلامی ایران و عراق ادعای ارضی حزب بعث از 31 شهریور 59 شروع نشد، بلکه قبل از این تاریخ این مطالبات وجود داشت و این صدام بود که قرار داد 1975 الجزایر را در تلوزیون جلوی دوربین پاره کرد، در مورد جمهوری آذربایجان من به این تحلیل رسیده ام که این بحثی که هم اکنون جمهوری آذربایجان مطرح می کند مقدمه ای برای ادعای خاک علیه جمهوری اسلامی ایران است، وقتی که مقامات آذربایجانی ادعا می کنند که ما رهبر 50 میلیون آذربایجانی هستیم، این سوال مطرح می شود که این 50 میلیون آذری کجا ساکن هستند؟ خواهند گفت که 35 میلیون این تعداد در ایران هستند و این مطرح کردن ادعای ارضی و جمعیتی است، خوب گیرم که 35 میلیون آذری در ایران ساکن هستند آیا بازو به بدن ملحق می شود یا بدن به بازو؟! نفس این مطالبه ها نشان می دهد که مقامات آذربایجانی ادعای خاک دارند، ولی باید بدانند که اگر اسرائیل توانست فلسطین را شکست دهد آنها هم می توانند این بخش از ایران را تجزیه کنند. من به مقامات آذری پیشنهاد می کنم اندکی تاریخ بخوانند.

در مقابل اعتراض جمهوری اسلامی ایران به برگزاری نشست "فردای آذربایجان جنوبی" در باکو، مقامات رسمی جمهوری آذربایجان هر گونه ارتباط با این کنگره را رد کردند و آن را مربوط به یک سازمان مردم نهاد دانستند، از طرف دیگر رسانه های جمهوری آذربایجان همواره در برنامه های خود علیه ایران تبلیغات منفی می کنند، و همواره جمهوری آذربایجان این رسانه ها را مستقل از دولت می داند شما به عنوان کارشناس مسائل قفقاز این سیاست دوگانه را چگونه می بینید؟

این سیاست و تاکتیک جمهوری آذربایجان است که به طور غیر مستقیم علیه جمهوری اسلامی ایران جو سازی بکند، آنها با ایجاد احزاب رسانه ها و گروه های اجتماعی مختلف این هدف را دنبال می کنند ولی به نظر من خود الهام علیو هم می داند که اگر این موضوع را به صورت جدی مطرح کند، بازنده اصلی این ماجرا حاکمیت جمهوری آذربایجان خواهد بود.

هم از لحاظ وسعت ارضی و هم از لحاظ تعداد جمعیت و قدرت نظامی جمهوری آذربایجان قابل مقایسه با جمهوری اسلامی ایران نیست. تنها چیزی که حاکمیت جمهوری آذربایجان به آن دلبسته پتانسیل آذری های ایران است و گرنه خود می دانند که اگر بحث جدی تر شود بازنده اصلی خود آنها خواهند بود. و این که آنها اعلام می کنند که رسانه ها مستقل هستند باید بگویم که اسنادی وجود دارد که خود حاکمیت جمهوری آذربایجان از این که این رسانه ها علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغ کنند حمایت می کند و وقتی کار به اعتراض ایران می رسد وانمود می کنند که در جمهوری آذربایجان آزادی رسانه حکم فرماست، اما برای مثال در مورد آزادی حجاب این آزادی وجود ندارد پس مشخص است این مسئله باب میل حاکمیت جمهوری آذربایجان است.

این تاکتیک آنهاست که با استفاده از رسانه های به ظاهر خصوصی که توسط افراد نزدیک به حاکمیت اداره می شوند علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغات منفی انجام دهند.

وقتی به روابط جمهوری آذربایجان با همسایگانش نگاه می کنیم میبینیم که با ترکیه روابط بسیار خوبی دارند و به نوعی الگوی خود را در ترکیه می بینند در مورد گرجستان و روسیه نیز روابط بسیار نزدیک و ایده آل است با این که با ارمنستان نیز در حال جنگ هستند و 20 درصد خاک آنها توسط ارمنستان اشغال شده است روابط دیپلماتیک علنی و غیر علنی زیادی با آنها دارند، اما با وجود کمک های جمهوری اسلامی ایران در طی بیست و دو سال گذشته، جمهوری آذربایجان رابطه غیر شفاف و تا حدودی خصمانه با کشورمان دارد به نظر شما دلیل این موضوع چیست؟

در مورد ترکیه باید بگویم که علاقه آنها به ترکیه سابقه تاریخی دارد. در سال 1918 وقتی محمد امین رسول زاده جمهوری آذربایجان را ایجاد می کرد، در کتاب خود می نویسد "این جمهوری که ما ایجاد می کنیم یک ترکیه کوچک است" اصلا این یک جمله معروفی در جمهوری آذربایجان است، به نظر من در جمهوری آذربایجان تاریخ تکرار شد، در سال 1918 محمد امین رسول زاده روی کار آمد، "نریمان نریمان او" هم حزبی وی در حزب همت وی را برکنار کرد، از این طرف می بینیم در سال 1991 ابولفضل انلچی بیگ روی کار آمد و حیدر علیو وی را برکنار کرد و به قدرت رسید، حزب حاکم "ینی آذربایجان" با وجود تفاوت نام همان دیدگاه های حزب مساوات را دنبال می کند و یک نوع نگاه دنیای ترک واحد در اندیشه های آنها قرار دارد. اما دلیل ترس آنها از ایران ریشه در این دارد که غالب جمعیت جمهوری آذربایجان شیعه هستند و جمهوری اسلامی ایران پرچم دار تشیع در دنیا است، حکومت لایک جمهوری آذربایجان از ایران و اینکه نفوذ ایران باعث قدرت گیری جریان های اسلام خواه در این کشور شود بیم دارد، و هویت سیاسی خود را در ایران گریزی می بینند. اما در بین مردم جمهوری آذربایجان رگ تشیع وجود دارد شاید زمان ببرد این وجه تشیع مردم

جمهوری آذربایجان به عرصه ظهور برسد اما در تاریخ ثابت شده که رگ تشیع هیچگاه خاموش نمی شود. از این رو سردمداران جمهوری آذربایجان از بازگشت به هویت شیعی ترس دارند و از ایران به عنوان پرچم دار تمدن شیعه در دنیا، دوری می کنند.

شما شانس حزب اسلام و حزب مساوات را برای پیروزی در انتخابات چه قدر می بینید؟ شانس علیو برای پیروزی مجدد چه قدر است؟

حزب اسلام به شکل جدی قلع و قمع شد و حزب مساوات نیز در کل هیچ شعار اسلامی خاصی ندارد تنها حزبی که می توان گفت به غیر از حزب اسلام آرمان های اسلامی دارد، حزب استقلال ملی به رهبری "اعتبار محمداو" است ، در مورد حزب مساوات که "عیسی قنبر" را به عنوان نامزد خود معرفی کرده است باید بگویم دعوی عیسی قنبر با الهام علیو یک رقابت سیاسی است در واقع من هیچ مشکلی بین این دو نمی بینم، یعنی رقابت برای انتقال قدرت از خاندان علیو به یک خاندان دیگر است اما روی هم رفته می توان گفت حزب مساوات وجه دموکراتیک تری نسبت به حزب ینی آذربایجان برای خود قائل است.

به نظر من حزب مساوات فرصت را از دست داده است. حیدر علیو قانون اساسی را طوری تغییر داده است که در زمان نخست وزیری الهام علیو قدرت در دست وی باشد بعد از آن هم دوباره قانون را طوری تغییر داد که امکان شرکت مجدد الهام فراهم شود و حتی طوری قانون تغییر کرده که این شخص می تواند انتخابات را نیز برگزار نکند به نظر من حیدر علیو کار خودش را کرده است. من شانس زیادی برای حزب مساوات و دیگر احزاب جمهوری آذربایجان برای اداره جمهوری آذربایجان قائل نیستم و تا زمانی که شرایط به همین صورت است یعنی ما شاهد خیزش عمومی گسترده ای برای تغییر در جمهوری آذربایجان نیستیم الهام علیو همچنان بر سر قدرت خواهد ماند.

من صراحتاً می گویم و علاوه بر من کارشناسان داخلی جمهوری آذربایجان نیز بر این موضوع تاکید دارند که تنها حزبی که قدرت بسیج مردم به شکل رادیکال را دارد حزب اسلام است. همان طور که می دانید حیدر علیو کسی بود که به دفتر مرکزی حزب کمونیست شوروی راه یافت و زمانی روی کار آمد که هیچ رقیبی نداشت، از این رو برای خود یک کاریزما ایجاد کرد و این کاریزما را به خانواده خود نیز منتقل کرده است که می توان گفت تا حدی دلیل محبوبیت الهام علیو به خاطر محبوبیت پدرش است و به خاطر همین محبوبیت نسبی احتمال این که بازهم رئیس جمهور آذربایجان بشود بسیار زیاد است.

شما در کتاب همسایه خانه زاد به حالت گذاری در ترکیه اشاره کرده اید که پس از این دوره خود مردم ترکیه علی رغم حاکمیت دولت سکولار به اسلام رجوع کرده اند آیا این حالت گذار در جمهوری آذربایجان اتفاق خواهد افتاد و امکان چنین بازگشت به اسلامی را در جمهوری آذربایجان پیش بینی می کنید یا نه؟ دستگیری و قلع و قمع رهبران جنبش اسلامی در خیزش مردم جمهوری آذربایجان تاثیر سوء دارد یا خیر؟

در ترکیه بازگشت به اسلام اجتماعی انجام شد، اما هنوز بازگشت به اسلام سیاسی رخ نداده است چون دید فقه سنی به سیاست متفاوت از دید فقه شیعی به سیاست است. اما در مورد جمهوری آذربایجان باید بگویم جوانه های یک خیزش اسلامی در این کشور سبز شده است ، شما برگردید به ده سال قبل در مورد همین بحث حجاب، ما شاهد خیزش کنونی نبودیم، شاهد این اعتراضات نبودیم، شما تصاویر تشیع جنازه حاج واقف را ببینید ، ما در آن زمان شاهد این تجمع ها نبودیم به نظر من یک خیزش در جمهوری آذربایجان شروع شده است، اما نیازمند زمان است، در این جا نقل یک خاطره خالی از لطف نیست ما در بین جمعی از اهالی جمهوری آذربایجان بودیم جلسه دوستانه بود، در بین صحبت سوالی از طرف ما مطرح شد که شما کی انقلاب خواهید کرد؟ طرف آذربایجانی گفت : اگر الهام علیو رژه همجنس بازان را برگزار می کرد مطمئن باشید که دیگر مردم نمی توانستند تحمل کنند و انقلاب بزرگی شکل می گرفت اما این رژه لغو شد و خطر از بیخ گوش الهام گذشت.

در کل باید این نکته را در نظر داشته باشیم که به ثمر رسیدن حرکت و جنبش مبتنی بر اصول اسلامی در جمهوری آذربایجان نیازمند زمان است ، ما بیست سال پیش فقط حاج علی اکرام را داشتیم که آمد و حزب اسلام را تاسیس کرد و پس از مدتی هم او را روانه زندان کردند و حزب اسلام را از بین بردند و اتفاق خاصی هم رخ نداد، ولی امروز حزب اسلام شهید داده است. اصلاً به فرض که این حزب اسلام هم در جایی منحرف شود، اما مطمئن باشید که حرکت در بستری دیگر به حیات خود ادامه خواهد داد، شما ببینید در فلسطین فردی مثل یاسر عرفات متوقف شد، پس از او حرکت آزادی خواهی توسط حماس رهبری شد این حرکت مهم است نه شخص و حزب. در انقلاب اسلامی در سال 42 احزاب و افراد با افکار متفاوت وارد مبارزه شدند ، شهید مطهری از یک سو دکتر شریعتی از سوی دیگر حتی مجاهدین خلق هم شرکت داشتند، تمامی این احزاب و افراد مسیر انقلاب را مشخص کردند، در جمهوری آذربایجان قبلاً جنبش اسلامی محصور به حزب اسلام بود، اما اکنون این حرکت وارد جامعه جمهوری آذربایجان شده است، من خدوم افرادی را در جمهوری آذربایجان می شناسم که سه ماه رجب، رمضان، شعبان را روزه می گیرند، در آن شرایط و فضا این یک پدیده مبارکی است.

حرکت اسلامی از این افراد سرچشمه خواهد گرفت به فرض که دکتر صمداو را نیز به شهادت برسانند، حکومت با این خیزش چه خواهد کرد؟! تاریخ شیعه نشان می دهد اگر یک خیزش عدالت خواه شیعی در جایی از دنیا شکل بگیرد این جنبش منوط به رهبرش نخواهد بود، و در مسیر خود رهبر تولید خواهد کرد، در جمهوری آذربایجان 70 سال در زمان شوروی سعی کردند تفکر شیعی مردم را از بین ببرند اما نتوانستند. مردم این تفکر را با همان اسم های دینی و ایرانی حفظ کردند. اکنون ارتباطات بیشتر شده بسیاری از طلبه های آذربایجانی در ایران درس تلمذ می کنند و این باعث زایش خواهد شد.

به نظر شما این حرکت و خیزش اسلامی در جمهوری آذربایجان منجر به اصلاحات دموکراتیک خواهد شد یا وقوع انقلابی گسترده و تغییر نظام در این کشور را پیش بینی می کنید؟

من پیشگو نیستم ولی به نظر من اگر حکومت جمهوری آذربایجان به همین منوال به زندانی و قلع و قمع کردن اسلام خواهان ادامه دهد، احتمالاً شاهد انقلابی گسترده در این کشور خواهیم بود. اما اگر به شکل دموکراتیک برخورد کنند ممکن است خیزش اسلامی منجر به اصلاحات در حکومت این کشور شود شبیه چیزی که اکنون در ترکیه شاهد آن هستیم. البته نباید نقش همسایگان را در این ماجرا نادیده بگیریم و همین طور فرجام قضیه قره باغ که آیا توسط دولت باکو آزاد خواهد شد یا نه.

به قضیه قره باغ اشاره کردید، در سال های اخیر شاهد این هستیم که جمهوری آذربایجان خرید های تسلیحاتی گسترده ای را انجام می دهد و همواره ارمنستان را به جنگ تهدید می کند به نظر شما جمهوری آذربایجان جرات حمله نظامی برای باز پسگیری قره باغ را دارد یا نه؟

فقط یک جمله بگویم الهام علیو قره باغ را آزاد نمی کند، حیات سیاسی علیوها وابسته به ادامه مناقشه قره باغ است ، تا زمانی که مناقشه قره باغ ادامه دارد تغییر قانون اساسی همچنان یا برجا خواهد بود، تغییری که به الهام اجازه می دهد انتخابات را به تعویق بیناندازد، مرحوم حاج علی اکرام به خود من گفت که این ها (علیوها) قره باغ را فروختند.

قره باغ تنها با نیروی نظامی آزاد می شود وقتی می گویم نیروی نظامی این ارتش را نمی گویم این ارتش توان آزادسازی قره باغ را ندارد قره باغ تنها با ندای یا حسین آزاد می شود./خ

گفتگو از : امین کیقبادی

پایان پیام.